

پرولترهای جهان متحد شوید!

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

اخیراً صورت اسامی ۹۶ نفر از کسانی که رژیم دیکتاتوری شاه به محاکمه جلب نموده و نام نویسنده مترقی محمود اعتمادزاده (به 'ذیرت') و پسرش کاوه نیز در عداد آنهاست. در جریان انتشار یافته است. اغلب اینان کسانی هستند که ضمن یورش وحشیانه چماق داران و چاقو کشان شاه در آذرماه گذشته بهنگام جلسه سخنرانی دانشگاه آریامهر و پس از ختمات آن دستگیر شده اند. چنانکه از خبر انتشار یافته در جریان پیداست، اتهامی که برای این عده ساخته و پرداخته اند

افشاء توطئه رژیم علیه عناصر ترقیخواه وظیفه

همه رزمندگان راه آزادی است

ساخته اند. بهترین دلیل صحت این ادعا آنست که حتی یک نفر هم از آن باصطلاح 'مردم شاه دوست' که از روی 'غیرت میهن پرستی' و بمقابله با دانشجویان و استادان آزادیخواه برخاسته اند و بالتبعیبه این ماجرای تحریک آمیز را پدید آورده اند در زمره دستگیر شدگان دیده نمیشود.

آنچه بیشتر بی پایگی این اتهامات را ثابت میکند و این پرونده سازی شرم آور بر مراد میسازد این است که مأموران ساواک شبانه به خانه به آذین میریزند و پس از آنکه باشیبه خانه را شخم زده، زیر و رو میکنند و پایه های درخت ها و سیخ کباب و افزار دنباله در صفحه ۲

عبارت از این است که دانشجویان پس از پایان جلسه حین عبور از خیابان نه تنها 'مظل نظم' شده اند بلکه گویاشیبه هایی از بانکها یا مغازه ها را شکسته ولذا سرکتبک جرم مندرج در ماده ۲۶۱ قانون کیفر عمومی 'یعنی تهب و غارت و اتلاف اجناس، نیز گردیده اند! نفس رویداد، علت واقعی این پرونده سازی را روشن میسازد. چاقو کشان ساواک برای مرعوب ساختن مردم در گوشه جنب دانشگاه کمین کرده بهنگام خروج، شرکت کنندگان را مورد حمله و هجوم قرار داده، مدعیان را مضروب و مجروح ساخته شیشه های برخی از مغازهها را شکسته و زمین را برای مناخله مأموران رسمی تحت عنوان 'حفظ نظم' فراهم

درد شور انگیز ب مردم قهرمان تبریز!

(اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

روز شنبه ۲۹ بهمن ماه در یکسلسله از شهرها و از جمله تبریز، اهواز و غیره، تشرهائی مختلف مردم برای نشان دادن خشم و اعتراض خویش نسبت به رژیم دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات مردم در شهر تبریز دامنه ای وسیع یافت. در این شهر نیروهای مسلح بدستور جبارانه شاه و برای حفظ رژیم استبدادی و ضد منای وی، مردم بر سلاح را در معرض گلوله باران وحشیانه و حمله سینهانه تانکها و مسلسلها قرار دادند. عده کثیری از مردم تبریز در اثر این ایلغار ددمشانه شهید و یا مجروح شدند. در جریان این حوادث رژیم بنا بشیوه همیشگی خود با دست زدن به یک سلسله خرابکاری بدست چاقو کشان و اوپاشان ساواک، در تقلاست این بربورث آدمکشانه خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظم دست به تظاهر زده بودند، مورد آزار و اهانت و تعقیب قرار دهد. سخنگویان پرشوم رژیم در مجاس و سنا و رسانه های گروهی با بکار بردن صفاتی که پرازانده خود آنها و ارباب تاجدار آنهاست، در حق مردم شرافتمند تبریز انتسابات زشت بکار میبرند.

ما درود پرشور خود را به مردم دلاور تبریز، این گهواره ارجحند آزادی و جنبش مترقی در میهن ما، ابراز میداریم و به گلوله باران سینهانه مردم از طرف رژیم ضد ملی و استبدادی شاه با حدیثی هر چه تمامتر اعتراض میکنیم. حزب توده ایران در برابر شهدای این فاجعه بزرگ سر تعظیم فرود میآورد و همدردی و همبستگی خود را با بازماندگان آنان ابراز میدارد. حوادث تبریز زلزله بزرگی است که در کاخ پلید استبداد محمدرضا شاه روی داده و بزرگترین موج جنبش مردم در سالهای اخیر است. و نشأت میدهد که در 'جزیره ثبات' طرفان خشم هنگامی می غرد. این حوادث یکبار دیگر نشان داد که سرب آتشین قادر نیست مردم از جان گذشته ای را که برای نیل باستقلال و دمکراسی پنهی خاسته اند و از رژیم استبدادی بچال بیزارند، بفراساند. مبارزه طبقات و قشرهای متحد خلق علیه رژیم ادامه دارد و گسترش مییابد. حزب توده ایران با تمام نیروی خود پشتیبان و شریک این مبارزات است. حزب توده ایران از همه نیروهای مترقی و ضد رژیم دعوت میکند که با تمام قوا برای سوق بیشتر توده ها بمبارزه، همه مساعی و ابتکارات خود را بکار برند و در این مبارزه سرسختی و پیگیری نشان دهند.

پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضا شاه!
متحد باد نیروهای مخالف رژیم در نبرد علیه ارتجاع سیاه!
درد شور انگیز ما به مردم قهرمان تبریز!

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران
اول اسفند ۱۳۵۶

فرخنده باد هشتم مارس - روز بین المللی زنان

توده های زن بزمین . . .

رژیم و مسائل وسیع تبلیغاتی آن به مناسبت و بدوخت مناسبت از پیشرفت زن در اجتماع امروزی ایران و 'محقوق برابری' که با مرد دارد دم میزند و ادعا میکنند که خوشبختانه دیگر تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد و آخرین حلقه های اسارت کهن زن در ایران. در پرتو انقلابات رنگارنگ در هم شکسته و زن موجودی است آزاد، با حق و متکی به قوانین بسیار درست!

زن ایرانی نه از نقطه نظر قوانین خانوادگی و نه از حقوق اجتماعی نه تنها برابر با مرد نیست بلکه به جرأت میتوان گفت که در خیلی از نقاط ایران و شاید در اکثر روستاها و شهرهای کوچک زنجیرهای قوانین فئودالی همچنان به قوت خود باقی است و او را همان برده و کنیز و ستمکش نگاه داشته اند.

در روزنامه کیهان در باره سرنوشت زنی نوشته شده که چون میخواست بکری، مشغول گردشود و هرش او را طاق میدهند. شوهرش پسرنیاله شانرا (که از بس از جور شدن از مادر گریه کرده و بیبوش افتاده بود) در برابر چشم همه بقل میزند و میبرد. در همین پیش آمد به دو اصل بزرگ آزادی و حق زن که زیر پا گذاشته شده برمیخوریم: نخست اینکه زنیکه میخواهد کار کند باید با رضایت شوهر باشد، دوم اینکه اگر زن طلاق گرفت بچه اش را از او میگیرند، هم حق کار و هم حق مادری بر پایه قوانین حاکم در ایران از زن سلب شده است.

روز هشتم مارس، روز بین المللی زنان، فرصتی است برای تجدید سخن درباره یکی از مهمترین مضامین حل نشده جامعه ما، یعنی مسئله برابری حقوق اجتماعی و اقتصادی زن ایرانی، که رژیم شاه آنرا محل شده، جلوه میدهد. زنان ایران اکنون بیش از هفتاد سال است به اشکال مختلف در راه نیل به این برابری حقوق مبارزه میکنند و از کلیه امکاناتی که در اختیار داشتند، خواه امکانات قانونی، و خواه امکانات انقلابی در راه خواستههای دمکراتیک خویش، بی خستگی، بیکار کرده اند و اگر امروز زن ایرانی به دستاوردهای محدود و سطحی نیز رسیده، نتیجه این نبرد طولانی است. اکنون نیز زن ایرانی، هم در نبرد صنفی و هم در نبرد وسیع اجتماعی خلق سهم شایسته ای را ادا میکند.

زنان ایران و یوزده زنان زحمتمکش علاوه بر مبارزه عمومی دمکراتیک که یک مبارزه صنفی است و همه زنان مترقی و خواستار برابری حقوق اجتماعی را در بر میگردد، در عین حال در مبارزه طبقاتی خود برای رهایی از بهره کشی طبقاتی، اسارت در جنگ غارتگران امپریالیستی شرکت میکنند.

آموزگر بزرگ انقلاب لنین در گفتگوی خود با کلارا تسکین چنین گفت:
باید میلیونها زن زحمتمکش شهر و ده را در مبارزه خودمان شرکت دهیم. بدون یاری زنان یک نهضت واقعی توده ای غیر ممکن است. . . و لازم است بطور وسیع دست به یک کار منظم در میان

بودجه سال ۱۳۵۷ یک بودجه ضد ملی و ضد خلقی دیگر

بودجه سال ۱۳۵۷ سرآغاز برنامه عمرانی جدیدی است که تاکنون حتی خطوط کلی آن اعلام نشده است. سرآغاز پس متزلزل، پس از پایان سخت آشفته ی و اجتماعی برنامه پنجم تجدید نظر شده ای، 'آهنگه هایه در بله' بلند پروازانه، بودن و درخشانی، که ببار خواهد آورد، 'مردم اراده اکنون ثمرات این برنامه را بصورت آشفتهگی امائی در سراسر اقتصاد، نارضائی و خشم در تمام فر بیش چشم داریم، که تشدید تضادها و ش مبارزه ها از پیامدهای ناگزیر آنست.

در مقابله با این وضع است، که دولت ایجاد ن مناسب برای تداوم رشد معقول و متعادل ی و اجتماعی، 'دکوشهای خستگی ناپذیر در با فورم . . . و از میان برداشتن تنگناها، و نظم و امنیت داخلی، را سرلوحه برنامه های ی و اجتماعی و سیاسی خود در بودجه ۱۳۵۷ کرده است. ولی این بودجه نیز، صرف نظر از ت معین فر بعضی ارقام، 'تکیه های مشخص بر جوانب' که بشیوه گذشته ناشی از شرایط روز گرفته است، مانند تمام بودجه های دوران استبداد رضا شاه، دارای چند خصالت اساسی است و آن ملی ضد ملی، ضد خلقی و ضد دمکراتیک

این بودجه است، که از ماهیت خود رژیم سرچشمه میگردد. خصالت ضدملی بودجه در نظامگیری و نقشی که در بغارت دادن منابع و منافع ملی دارد، متعکس میشود؛ خصالت ضد خلقی آن در تفتی است که در تجدید توزیع در آمد ملی بسود دربار، سرمایه داران و مالکان بزرگ داخلی و انحصارهای خارجی بزرگ زحمتمکش بجهت دارد و خصالت ضد دمکراتیک آن در نحوه تنظیم و اجرای آن زیر 'فرماندهای عالی، شاه در محفل قانون گزاران دلتنگ صفت و بدست مجریان چاکرمنش، بدون دخالت مردم ایران و علیه آنان، نهفته است. بدون آنکه در ضد بررسی همه این جوانب بودجه باشیم، به ذکر ارقامی بسنده میکنیم، که خود ارقام گویا تر از هر تفسیری است.

بودجه وابسته

مانند تمام بودجه های دوران پس از کودتا، 'بودجه است که از لحاظ درآمد، وابسته به امپریالیسم است. این وابستگی، در درجه اول، از راه درآمد نفت، که سرورشش در دست عمده ترین کشورهای امپریالیستی است و نیز از راه اخذ وام های اسارت یار از کشورهای امپریالیستی برقرار میشود. سهم این درآمد

در بودجه عمومی کشور از ۵۷ درصد در آغاز برنامه پنجم به ۶۰٫۵ درصد در سال ۱۳۵۷ یا آغاز برنامه ششم افزایش یافته است. طبق برنامه تجدید نظر شده قرار بود طی سال این برنامه، جمعا ۱۵۰ میلیارد ریال (۲٫۲ میلیارد دلار) وام خارجی دریافت شود و اکنون فقط طی یک سال ۱۳۵۷، یعنی آغاز برنامه ششم، دولت ناگزیر بلخند وامی بهنگام میزان شده است. اگر باین مبلغ، که برای تأمین کسری بودجه عمومی است، مبلغ ۱۶۲ میلیارد ریال وام خارجی شرکت ها و مؤسسات انتفاعی وابسته بولت را نیز اضافه کنیم، به رقم سرسام آور ۳۱۲ میلیارد ریال (۴٫۶ میلیارد دلار) خواهیم رسید، که تاکنون در ایران سابقه نداشته است.

بودجه نامتعادل

دولت مدعی است که فقط ۱۴۰ میلیارد ریال کسری دارد، ولی واقعیت جز اینست. اگر وامها و اعتباراتی را هم که دولت برای جبران کسری بودجه کل باید از داخل و خارج دریافت کند، بحساب آوریم، این کسری به رقم، بلزوم بیست و سه، ۷۵۴ میلیارد ریال (بیش از ۱۰ میلیارد دلار) بالغ خواهد شد. این کسری حدود ۴۹ درصد درآمد نفت و ۱۸ درصد بودجه کل کشور است!

نظامگیری و اختناق

۱۳۵۷ هزینه های مستقیم نظامی به بیش از ۷۰۰ دنباله در صفحه ۲

صادر کننده اسلحه به سومالی ایران است

روزنامه پروادا در ۱۸ فوریه ۱۹۷۸ مینویسد: خبر نکار جبرگزاری یونایتد پارس اینترنشنل طی گزارش خود ازموکاد یوشو مینوسد صدور تسلیحات از کشورهای عضو پیمان ناتو و رژیمهای ارتجاعی کشورهای خاور نزدیک و میانه به سومالی تشدید شده است. در گزارش متذکر شده است که در محافل دیپلماتی گفته میشود: صادر کننده عمده تسلیحات به سومالی ایران است که طی دو هفته اخیر ۱۰ فرزند کشتی حامل خمپاره انداز، مرمیات برای توپخانه سنگین و راکتهای ضد هوایی به موکادیشو روانه کرده است.

